

بحث‌ها شخصی نبود یعنی اثر آن را در رابطه نشان می‌داد. من چند مصداق جدی این را که آقای سلیمانی چطور به داد مردم عراق می‌رسیدند می‌دانم. خاطرم هست در یک موضوعی می‌خواستند آقای نوری مالکی را در پارلمان سرنگون کنند، الان جزئیات آن را خاطرم نیست و تقریباً رأی عدم اعتماد را جمع هم کرده بودند. این نظر امریکایی‌ها بود که به هر قیمتی شده آقای نوری مالکی را به زمین بزنند و برکنارش کنند چون واقعاً جزو قوی‌ترین افرادی که در عراق به نخست‌وزیری رسید ایشان بود که ایستاد جلوی امریکایی‌ها، کار رسیده بود به امضای تأیید آقای جلال طالبانی به‌عنوان رئیس‌جمهور، ایشان تا دید این طوری است سریع از بغداد خارج شد که آنجا نباشد تا این کار را انجام بدهد و عملاً این کار عقیم ماند و بعد ما نتیجه این را کجا دیدیم؟! موقعی که او با آمد سرکار و فشار آورد، می‌خواست ارتش امریکا را خارج کند، هر چقدر فشار آورد به آقای نوری مالکی برای اینکه یک پیمان امنیتی بین امریکا و عراق امضا بشود، آقای نوری مالکی زیر بار نرفت گفت به هیچ عنوان! آن موقع او از منافع ملی عراق حمایت می‌کرد ولی می‌خواهم بگویم آن کاری که آقای جلال طالبانی کرد که باعث ابقای نوری مالکی شد نتیجه زیادی داشت به طوری که هر چقدر امریکایی‌ها فشار آوردند به نوری مالکی ایشان نپذیرفت و امریکایی‌ها بدون امضای هرگونه پیمان امنیتی، ارتش خودشان را از عراق بردند؛ حالا درست است بعدها به

دلایلی یک بخشی از آن ارتش را در زمان حیدر العبادی و ناشی از عملکرد ضعیف او برگرداندند ولی آن ۱۵۰ هزار نیرویی که داشتند از این کشور خارج شدند و تعداد اینها خیلی کمتر شد. این نشان می‌دهد که سردار سلیمانی با این نوع رابطه ای که داشت چقدر اعتماد دیگران را به خودش جلب می‌کرد و واقعاً هم صادقانه بود یعنی ایشان از این ارتباط برای امتیازگیری به نفع خود استفاده نمی‌کرد، اعتقاد ایشان این بود که آقای جلال طالبانی فرد مناسبی برای ریاست جمهوری عراق است و ما این را دیدیم.

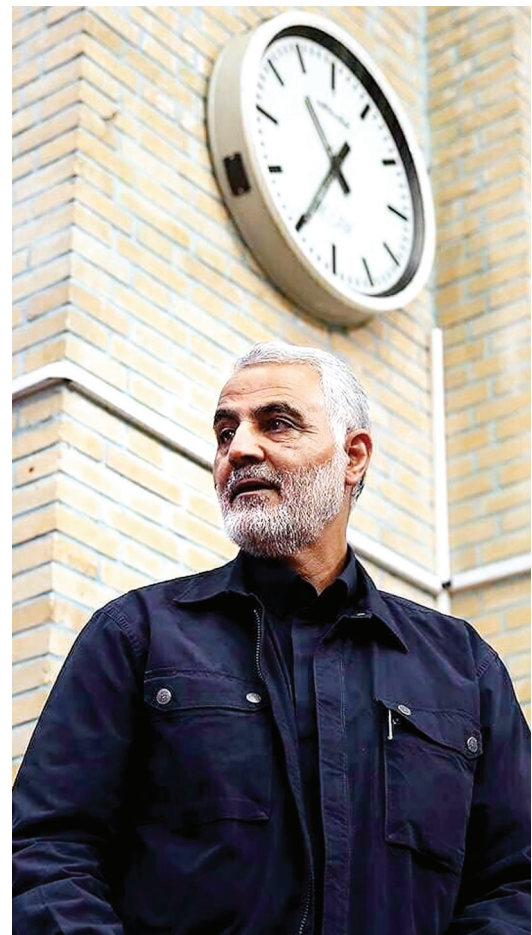
#### ◀ حالا در بحث‌های مختلف عراق این را می‌شود دید. در سوریه این مسأله چگونه بود؟

در بحث‌های سوریه به نحو دیگر این موضع خود را نشان داد، ایشان در کارش با شخصیت‌های سیاسی خیلی دیدار می‌کرد، دیدار معروف ایشان با پوتین که منجر به حضور ارتش روسیه در بحران سوریه شد که این اصلاً یکی از نقاط عطف بحران سوریه است از این نمونه‌هاست. این کار تنها از سردار سلیمانی برمی‌آید و آن اعتباری که ایشان داشت که فردی مثل پوتین شما ببینید حتی در دیدار با مثلاً ترامپ رئیس‌جمهور امریکا هم بسیار مغرورانه برخورد می‌کند اما همین فرد می‌آید و حرف‌های سردار سلیمانی را می‌پذیرد. این موارد در واقع نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد سردار سلیمانی فقط یک فرمانده نظامی که به دنبال مثلاً عملیات نظامی باشد نیست، یک بعد عمده شخصیت ایشان بحث نگاهش به دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار قدرت برای تقویت محور مقاومت و رسیدن به اهداف بود.

#### ◀ با توجه به گستره فعالیت منطقه‌ای نیروی قدس و لزوم تعامل با وزارت خارجه، آیا سردار سلیمانی دچار برخورد جناحی شد؟

سردار سلیمانی یک الگوست برای همه طرف‌های سیاسی در ایران، ایشان واقعاً جناحی با قضاها برخورد نمی‌کرد، همان دیدی که رهبر معظم انقلاب دارند که کسی که رئیس‌جمهور شده حالا با هر رأیی که آمده، از هر جناحی هم که باشد، آقا می‌فرمایند من چون مردم رأی دادند به این آقا، من از ایشان حمایت می‌کنم تا روزی که رئیس‌جمهور است حتی اگر با هم اختلاف دیدگاه داشته باشیم.

سردار سلیمانی هم همین‌طور بود یعنی احترام می‌گذاشت به جایگاه‌های رسمی وزیر خارجه و می‌دانست که تقابل بین نیروی قدس و وزارت خارجه به نفع دشمن است؛ بنابراین تا آنجایی که می‌توانست سعی می‌کرد ارتباط بگیرد، سعی می‌کرد مواضع را نزدیک کند، مثلاً هر وقت که سالانه جلسات سفرای خودمان را در شهریور ماه داشتیم، یکی از سخنرانان ثابت و اصلی این مراسم سردار سلیمانی بود، حتماً ایشان باید می‌آمد و صحبت می‌کرد، این نشان می‌دهد که وزارت خارجه هم چقدر نسبت به دیدگاه‌های ایشان احساس نیاز می‌کرد که ایشان بیایند اینها را تبیین کند و اتفاقاً در آن جلسات بعضی از اوقات شیب جلسه تند می‌شد. بعضی از سفرها که دیدگاه شخصیشان متفاوت بود و یا درگیر تبلیغات دشمن بودند سؤال‌های خیلی تندی می‌پرسیدند در رابطه با سیاست ایران در کشورهای منطقه ولی ایشان با سعه صدر پاسخ می‌داد و همین باعث شد که روزی که ایشان شهید شد همه در تشییع پیکرشان شرکت کنند. همه واقعاً آمدند؛ یعنی این مسأله اصلاً رنگ جناحی نداشت، نشان می‌دهد که ایشان در دیپلماسی هم آدم بسیار موفقی بود و دیپلماسی را بازویی برای راهبرد مقاومت می‌دانست.



سردار سلیمانی هم  
همین‌طور بود یعنی  
احترام می‌گذاشت  
به جایگاه‌های  
رسمی وزیر خارجه،  
وزیر خارجه و  
می‌دانست که تقابل  
بین نیروی قدس  
و وزارت خارجه به  
نفع دشمن است؛  
بنابراین تا آنجایی  
که می‌توانست سعی  
می‌کرد ارتباط بگیرد،  
سعی می‌کرد مواضع  
را نزدیک کند